هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۵ چهارشنبه ۷ ثور ۱۳۸۴ ۱۸ ربیع الأول ۱۴۲۶ - 27 April 2005

سرمقاله
در سیزدهمین سالروز پیروزی جهاد ص۲

بی برنامگی دولت در مبارزه با مواد مخدر ص۶

از حماسه تا فاجعه ص۳

ویاړ دي وي دثور په اتمه د جهاد دبري په ورځ ۳مخ

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت فرا رسیدن

سیزدهمین سالروز پیروزی جهاد

هموطنان گرامی، مجاهدین سنگرهای دفاع از دین، آزادی و عزت و کرامت ملی!

درودهای گرم و تحیات فراوان، نثار تک تک تان باد!

فرا رسیدن سیزدهمین سالروز پیروزی و رستاخیز عظیم آزادی خواهانهٔ ملت بزرگ افغانستان را که با حماسه آفرینی های بی نظیر خویش دامان این میهن اسلامی را از ننگ ذلت و اسارت، پاک کردند به همهٔ شما شادباش می گوییم.

زندگی سرفرازانهٔ ملت ها در درازای تاریخ بشری در گرو سربازی های حق خواهانهٔ آنهاست که به یقین ملت مجاهد افغانستان با جهاد تکبیر شعار خویش در این کارزار رهایی بخش از جایگاهی ویژه برخوردار است.

رزم آوری و قهرمانی ملت ما در برابر قشون متجاوز اتحاد شوروی سابق که ادامهٔ راد مردی های آن در تاریخ آزادی خواهی این ملت است، فصل زرینی از تاریخ سیاسی معاصر این کشور می باشد که به یقین درخشنده ترین دوران در نشیب و فرازهای زندگی مردم این سرزمین به حساب می رود. ص۶



جمعی از مجاهدان در۸ ثور ۱۳۷۱ در لحظاتی پیش از ورود به کابل که به اما مت شهید مسعود نماز گزارده اند

میراث گذشته به ۷ ثور و ۸ ثور

ص۲

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت درهمایش بزرگداشت از میلاد پیامبر اسلام :

اعتراف به عزت وکرامت انسانی ازعمده ترین ارزش های پیام حضرت رسول اکرم است

طی همایش بزرگی از میلاد پیامبر اسلام در دانشگاه کابل تجلیل به عمل آمد. در این همایش که به روز چهار شنبه ۳۱ حمل در کتابخانهٔ دانشگاه کابل برگزار شده بود. استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت، نعمت الله شهرانی وزیر حج واوقاف، استاد سیاف رهبر اتحاد اسلامی، اشرف غنی احمد زی رئیس دانشگاه کابل، شخصیت های ملی وجهادی، سفرای کشور های خارجی مقیم افغانستان و جمعی بزرگ از استادان ودانشجویان دانشگاه کابل اشتراک ورزیده بودند.

در این همایش دکتر سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ وتوریزم، پوهاند عبدالعزیز رئیس فاکولتهٔ شرعیات، دکتر اشرف غنی احمدزی رئیس دانگشاه کابل، استاد عبد رب الرسول سیاف و استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت و ... و چندین تن از دانشجویان در بارهٔ سیرت وسنت پیامبر صلی الله علیه و سلم سخنرانی کردند که در این جا سخنان استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت را به ملاحظه می گیرید. ص۵

از توانستن

قهر عاصی

اگر نمی توانم
در کنارت شهید شوم
اگرکه نمی توانم گورکن وکفن دوزت باشم
اگرکه نمی توانم زخم هایت را بر دوش بکشم
اگرکه نمی توانم نیزه بردارت باشم
اگرکه نمی توانم خشمت را هنگام قد افراختنت
ادامه بدهم
اگرکه نمیتوانم مهربانیهایت را
به کمال برسانم
اگرکه نمیتوانم سرفرازی هایت را
علمی سبز
برفراز گورت برافرازم
اگرکه نمی توانم سلاحت را صیقل بدهم
اگرکه نمی توانم جام آبی هنگام زخم خوردن
برایت فراهم آورم
اگر که نمی توانم در زیر آسمانی که تونفس می کشی
تو نماز می گذاری
گردی به شایستگی قدم هایت باشم
اگر که نمی توانم درکنارت چون خنجری ایستاده باشم
عشقهایت را
آرزوی هایت را
می توانم به سرودی بکشم
که همه زمزمه اش سازکنند
دردهایت را می توانم به مسیر دریا
سرو بنشانم و باغی بکنم
بازوانت را
می توانم که فرود آورم از کوه به شهر
با شکوهنده ترین شیوه با آن که
نیزه پرتاب کنم
قامتت را می توانم
از گل سوری و فولاد
دیوار بلندی
آوازه کنم
آرمانت را
شیپورزنم
خنده هایت را باغ نوباز کنم
دوستی هایت را بازبان دریا
دشمنی هایت را باگلوی آتش
آنچنانی که بود حرف به حرف
آفتابی بکنم
که چه بیباک وچه بی پایانی

ده ثور آغاز ثبت نام کاندیداها برای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی اعلام گردید

در نشست خبریی که به روز دوشنبه ۵ ثور سال جاری در تالار دفتر مشترک کمیسیون انتخابات برگزار گردیده بود، ستر ژنرال محمد ایوب حبیب معاون این کمیسیون گفت:

مردم ما طی سه هفتهٔ آینده فرصت خواهند داشت تا برای شرکت در انتخابات به صفت نامزد، درخواست دهند، او افزود:

هموطنان ما می توانند با رأی مستقیم، آزاد، سری و عمومی نمایندگان خود را به ولسی جرگه و شوراهای ولایتی بفرستند و اولین قدم در این راستا ثبت نام کاندیداها می باشد و شهروندان افغانستانی می توانند برای نامزد شدن در ولسی جرگه و شوراهای ولایتی در تمام ولایات کشور از تاریخ ده الی بیست و نه ثور درخواست های خویش را به دفتر مرکزی و ولایتی کمیسیون انتخابات تسلیم نمایند، او در مورد شرایط نامزد شدن گفت که سن نامزد ولسی جرگه باید از ۲۵ سال و سن نامزد شوراها از ۱۸ سال کمتر نباشد.

کاندیداهای ولسی جرگه مکلف اند لیست و امضای سه صد تن و کاندیداهای شورای ولایتی لیست و امضای دوصد تن از حامیان خویش را ترتیب نمایند و همچنان کاندیداهای ولسی جرگه مبلغ ده هزار افغانی و کاندیداهای شورای ولایتی مبلغ چهارهزار افغانی را به صورت امانت به دفتر مشترک تنظیم انتخابات تحویل نمایند.

وی افزود که این پول برای کسانی که در انتخابات برنده شوند و یا دوفیصد رأی حوزهٔ مربوطهٔ خویش را از آن خودنمایند، دوباره داده خواهد شد.

در این کنفرانس خبری آقای ریچارد ایدوارد مسؤول بخش عملیاتی دارالإنشای دفتر مشترک کمیسیون انتخابات نیز صحبت نمود ص۸

فرا خوان مبارزات پارلمانی

جمعیت اسلامی افغانستان

جمعیت اسلامی افغانستان با شعار استقلال، عدالت، حاکمیت قانون و حفظ ارزش های دینی و جهادی و تأکید به استقلال قوه های مقننه و قضائیه برای انتخاب نمایندگان شایسته و صالح و تشکیل پارلمان واقعاً منتخب، سالم و در خدمت مردم، هموطنان عزیز را به شرکت فعال در انتخابات فرا می خواند.

جمعیت اسلامی افغانستان در کنار معرفی نامزدان خویش از سایر داوطلبان مؤمن و متعهد به ارزش های دینی و ملی -با صرفنظر از وابستگی های سیاسی و حزبی -نیز حمایت خواهد کرد.

ما در پی آنیم تا در همکاری و هماهنگی با سایر تشکل ها و شخصیت ها جبههٔ مشترک انتخاباتی را تشکیل بدهیم تا با برگزاری انتخابات واقعاً آزاد و منصفانه کشور ما صاحب یک پارلمان منتخب و مقتدر گردد.

همه هم میهنان بادرک، دلسوز و علاقه مند به سرنوشت سرزمین عزیز خویش را به یاری و همکاری فرا می خوانیم.

دفتر مرکزی
جمعیت اسلامی افغانستان

سیزدهمین سالروز پیروزی جهاد را به ملت قهرمان افغانستان تبریک می گوییم و به روح شهیدان راه آزادی درود می فرستیم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

در سیزدهمین سالروز پیروزی جهاد

ملت عزیز افغانستان در آستانهٔ سیزدهمین جشن پیروزی جهاد قرار دارد. سالهای جهاد یکی از پر افتخار ترین دوره های تاریخ افغانستان را می سازد، سالهایی که ملت افغانستان در طی آنها برای دفاع و پاسداری از ارزش های بزرگ انسانی، آزادی و استقلال و کرامت انسانی از جان و مال و فرزند گذشت و در برابر دیو تجاوز و ویرانگری شیطانی ترین قدرت عصر اتحاد جماهیر شوروی وقت قد برافراشت و به اعتراف دوست و بیگانه رمز رهایی برای بسیاری از ملت های در بند دیگر وفرو پاشیدن نظام کمونیستی وپایان جنگ سرد در جهان شد.

تجلیل از انقلاب ۸ ثور ۱۳۷۱ تجلیل و گرامیداشت از مفاهیم بلند انسانی است. رأفت و گذشت و بخشودگی، آزادی خواهی و استقلال ستایی و مفاهیمی از این قبیل ارزش های ماندگار آن است ، هیچ انقلابی را به سان انقلاب ۸ ثور ۱۳۷۱ درتاریخ معاصر سراغ نداریم که دربارهٔ دشمنانش از چنین گذشت و بخشودگی کار گرفته باشد به حدی که هیچ یک از دشمنان انقلاب را به زندان نیفگند چه رسد به مجازات و اعدام آنان چیزی که در هیچ یک از انقلاب های بشری تجربه نشده است.

تاریخ گواهی خواهد داد که انقلاب ۸ ثور ۱۳۷۱ به رغم ناگزیری های بسیار تلخ هرگز زیر بار تلقینات و فرامین بیگانه و حتی خواسته های نامعقول دوستان خود نرفت و به دلیل همین براستقلال پای فشردن بود که در نخستین روزهای تولدش از دور و نزدیک آماج تیرهای توطئه قرار گرفت.

اکنون که مادر سیزدهمین سال پیروزی جهاد قرار داریم و دارای نظام جمهوری اسلامی رئیس جمهوری منتخب وکشوری هستیم این ها همه در تداوم دستآوردهای جهاد و مجاهدان شکل گرفته است. بی تردید اگر جهاد نبود ما امروز کشور ونظامی نمی داشتیم. این سخن به این معنی نیست که هر آن چه به ساحت جهاد و مجاهدان بستگی دارد به عنوان پدیده یی بسته به جهان قدس از نقد و ارزش یابی فراتر باشد بلکه جهاد به مثابهٔ یک تجربهٔ انسانی می سزد که فراز و فرودهای آن شکافته گردد و موارد قوت وضعف آن برای استوار رفتن در آینده بازنمایانده شود. اما باید دانست که تجلیل از آن تجلیل از آزادی و استقلال و ارزش های متعالی انسانی وروح جمعی مردم افغانستان است که برای پاسداری از این ارزش ها و همبستگی ملی باید آن را پرشکوه برگزار کرد و برای بالندگی و توسعه و سرافراز زیستن بر ارزش های آن تکیه نمود.

میراث گذشته به ۷ ثور و ۸ ثور



محمد نسیم فقیری

در ۷ ثور کمونیست های خلق و پرچم با یک کودتای نظامی، قدرت دولتی را غضب نمودندو به صورت بسیار بی رحمانه و وحشیانه ، داوود خان، اعضای خانواده و برخی از اعضای حکومت او را از بین بردند و به زودی بر سراسر قلمرو افغانستان حاکم گردیدند

***

مجاهدین نه تنها به اعدام ویا ترور کمونیست ها اقدام ننمودند حتی آنان را زندانی نساختند، در حالی که کمونیست ها رهبران و اراکین نهضت اسلامی را در زندان به قتل رسانیده بودند و بعد در چهار ده سال جهاد به جنگ مجاهدین در رکاب اردوی سرخ رفته بودند

۷ ثور و ۸ ثور دو رویداد مهم و دو تحول بزرگ در تاریخ معاصر افغانستان است. در مورد پیشینه ها و پی آمدهای این دو روز در طی سالیان گذشته بحث ها و تحلیل های زیادی صورت گرفته است ولی در این جا به یک موضوع مشخص پرداخته می شود و آن میراث گذشته برای دولت مردان به قدرت رسیده در ۷ ثور و ۸ ثور می باشد. در این تحلیل سعی بر آن نیست تا خطا ها، اشتباه ها و نارسایی ها و حتی خیانت ها و جنایت های برخی از افراد و گروه های مجاهد، توجیه ، کتمان و یا پرده پوشی گردد بلکه یاد آوری این واقعیت است که شرایط و اوضاع در آستانهٔ صورت پذیری این دو رویداد کاملاً از هم متفاوت بوده است و بنا بر این، پیامد های آن، نیز دور از انتظار نمی تواند باشد.

در ۷ ثور کمونیست های خلق و پرچم با یک کودتای نظامی، قدرت دولتی را غضب نمودندو به صورت بسیار بی رحمانه و وحشیانه ، داوود خان، اعضای خانواده و برخی از اعضای حکومت او را از بین بردند و به زودی بر سراسر قلمرو افغانستان حاکم گردیدند زیرا:

میراث دولت داوودخان به کمونیست ها، یک دولت حاکم ومقتدر مرکزی، ادارهٔ کامل وتوسعه یافته در همه اطراف و اکناف کشور، اردوی منظم، پلیس و نیروهای امنیتی فعال، بودجه واقتصاد، عایدات ، مالیات، صادرات، واردات و ... همه در سطح یک دولت ، به صورت عادی موجود و درجریان بود.

- مرزهای کشور کاملاً از خطر تجاوز و مداخلهٔ خارجی مصون وتحت کنترل بود.

- شاهراه ها با امنیت کامل باز و ترانسپورت زمینی و هوایی فعال بود.

- روابط سیاسی با اکثر کشورهای جهان تأمین و سفارت های خارجی در پایتخت حضور وفعالیت داشت.

- خلاصه این که وضع در کشور بسیار عادی بود، گروه های مسلح وجود نداشت، امنیت و حاکمیت دولتی درسراسر افغانستان حکمفرما بود. بنا بر این کمونیست ها پس از رسیدن به قدرت، به خوان آماده، گسترده و رنگین حاکمیت دولتی فراخوانده شدند و با اشتهای کامل و سیری ناپذیر مشغول خوردن و بلعیدن گردیدند.

نیروهای مخالف کمونیست ها قبلاً در دوران داوود خان سرکوب گردیده بودند. تعداد زیادی از رهبران و کادرهای نهضت اسلامی و هواداران میوند وال و سایرمخالفان کمونیست ها در زندان ها به سر می بردند و دست بسته در اختیار رژیم خلقی قرار گرفتند و اکثر آنان در حالی که مدت حبس شان را سپری می نمودند، توسط رژیم خلقی در زندان به شهادت رسیدند که نمونهٔ روشن و بارز نقض حقوق بشر، قساوت، بی رحمی و زیر پا گذاشتن تمام اصول، قوانین و ارزشهای ملی، بین المللی وانسانی است.

در حالی که معمولاً نظام های جدید، زندانیان نظام گذشته را رها می سازند ولی کمونیست ها مخالفان فکری خود را از جمع زندانیان محکوم و بی دفاع به قتلگاه فرستادند و نشان دادند که مخالفان را حتی در زندان نیز نمی توانند تحمل نمایند و برای نابودی آنان کمر بسته اند!

در ۷ ثور یک حزب متشکل از دو جناح که تازه به وحدت دوباره دست یافته بودند، قدرت دولتی را به صورت انحصاری میان خود توزیع و تقسیم نمودند وبا بروز اختلاف و انشعاب دوباره به دلیل قدرت و تسلط جناح خلق، رهبران جناح پرچم از دولت تصفیه و نخست به حیث سفیر به خارج فرستاده شدند وبعداً از حزب و دولت اخراج و تعدادی از آنان زندانی گردیدند.

اما در ۸ ثور، مجاهدین در حالی به قدرت رسیدند که:

- در اثر چهارده سال جهاد، تجاوز نظامی شوروی، اختلافات و کشمکش های دایم و روز افزون جناح های مختلف خلق و پرچم و ایجاد فرقه ها و قطعات ملیشه یی، اصلاً نظام، دولت، حکومت، اردو، پلیس، اقتصاد، نظم و اداره وجود نداشت قطعات اردو و پلیس در اکثر جاهای مرکز و ولایات به اشخاص وافراد و قوماندان های مختلف ده ها تنظیم بدون پلان، نظم و ترتیب و فقط بنا بر گرایش های قومی، تسلیم گردیده بودند و اصلاً چیزی به نام حاکمیت دولت وجود نداشت که به مجاهدین به میراث رسیده باشد. قدرت و حاکمیت دولتی از هم پاشیده بود، اردو متلاشی شده بود و قبل از ۸ ثور قطعات وفرقه ها علیه حاکمیت مرکزی در شمال قیام نموده بودند و ملیشه ها در هر کجا بیشتر از منسوبان اردو صاحب قدرت و امکانات بودند. حزب حاکم نیز دچار اختلاف و آشفتگی های فروان بود و به ده ها فراکسیون منقسم و منشعب گردیده بود.

- درامهٔ مضحکی به نام انتقال قدرت در ۸ ثور نمایش داده شد که از خطا های بزرگ و تاریخی مجاهدین به شمار می رود. مجاهدین شاید می خواستند با ترتیب ویا ایفای نقش دراین درامه به مردم افغانستان و جهانیان نشان بدهند که به عفو عمومی صادر شده پابندند ویا انتقال متمدنانهٔ قدرت و احتراز از کشتن و بستن زمامداران سابق، برتری مجاهدین بر کمونیست ها و ۸ ثور را بر ۷ ثور به اثبات می رسانند. در حالی که اصلاً قدرتی وجود نداشت که انتقال یابد: رئیس جمهور خود ساخته و غیر قانونی در پی تلاش نا فرجام برای فرار دردفتر نمایندگی ملل متحد پناهنده بود، اراکین نظام جز تعداد اندکی در گارنیزیون کابل اصلاً دارای کدام موقف و صلاحیت نبودند و هر کدام به گروهی پیوسته ویا به گوشه یی خزیده بودند.

- مجاهدین نه تنها به اعدام ویا ترور کمونیست ها اقدام ننمودند حتی آنان را زندانی نساختند، در حالی که کمونیست ها رهبران و اراکین نهضت اسلامی را در زندان به قتل رسانیده بودند و بعد در چهار ده سال جهاد به جنگ مجاهدین در رکاب اردوی سرخ رفته بودند و یا خود در طی عملیات نظامی، آنان را همکاری نموده بودند! پس در پی این همه جرم و جنایت، آدم کشی، وطن فروشی، آواره ساختن و در بدری بازهم هیچ کدام از جنایت کاران این دوران موردپیگرد قرار نگرفت و زندانی نگردید.

- مجاهدین از زمان رسیدن به قدرت، نه دارای یک حزب و تشکیلات واحد بودند و نه دارای اردو وتشکیلات منظم، واحد و حتی متفرق نظامی. بنا بر این مجاهدین در یک وضع آشفته و نابه سامان نظامی، سیاسی و اداری ظاهراً به قدرت رسیدند و با چالش های عمده و فروانی مواجه گردیدند.

ص۷

ویاړ دي وي دثور په اتمه د جهاد دبري په ورځ

پامیر

د وخت شوروي اتحاد چي زموږ د شمال ګاونډي او د نړی ستر زبر خواک وء لا د ډیر پخوا د خپلي امپراطوري د پراخه کولو او د هندو دسمندر تودو اوبو ته د خپلو پولو د غځولوخیال درلوده خو د منځني آسیا د خپلواکو هیوادو له نغاړلو وروسته بیا ورته په ۱۳۵۷ کال د ثور په اومه نیټه ددي فرصت پیدا شو چي زموږ د ستراتیژیک خاوري له نیولو وروسته بیاخپل پخواني پلان د عمل میدان ته راوکاږي.

لومړي خو ني په ۱۳۵۷ لمریز کال د ثور په اومه نیټه د خپلو ایدیالوژیکو پلویانو یعني د خلق او پرچم ګوندونو د مشرانو له لاري یوه پوځي خونړی کودتاه وکړه او لږ وروسته یعني د ۱۳۵۸ د جدي په شپږمه نیټه ئي خپل ۱۳۰ زره کسیز پوځ په زرګونو زغره وال ټانکونه، توپونه او نوري ستراتیژیکي او مدرني وسلي زموږ هیواد ته رانویستلي او فکر ئي کاوه چي افغانستان، ګونډي نور د شوروي د امپراطوري یوه برخه و ګرځیده خو خبر نه و چي که افغانان بي وسلي ناداره اوکمزوري دي خو د مضبوط ایمان او کلکي ارادي خاوندان دي او د خپل تیر تاریخ په اوږدو کي ئي نه سکندر کبیر منلي او نه ئي اورنګ او فرنګ زغملي دي.

لږه موده وروسته افغانانو له خپل پلرني ټاټوبي ځخه د هیواد د ازادی په نیت بهرنیو او په خاص ډول ګاونډیو هیوادو ته هجرت پیل کړ. بهرنیانو هم د شوروي اتحاد ددغه مستقیم یرغل په وړاندي زموږ ملا وتړله له موږ سره یي د وسلو او پیسو له سخاوت نه ډکي مرستي وکړي خو قرباني او خان تیریدنه بیا زموږ د خلکو رسالت و چي دداسي یو ستر زبر ځواک په وړاندي ئي خپل سرونه ډالی کړل او په پایله کي ئي د نژدي دوو ملیونو انسانانو د سرونو په نظرانه کولو سره د شوریانو د کبر او غرور ښکرونه ورمات کړل.

نړیوالو هم افغانان د ازادی اتلان وبلل او ټولي آزادی نړی ورته د احترام سر ټیټ کړ خو د بده مرغه چي پردیو توطئو او دسیسو بیا هم خپل کار وکړ او دا ځل ئي افغانان په خپلو منځو کي سره واچول ودان ښارونه وران او بي دفاع او بیګناه انسانان و وژل شول خود نیکمرغی ځاي دادي چي افغانانو بیا خپلو ګریوانونو ته سر ورټیټ کړ او په خپلو منځو کي ئي د مشوري او مصلحت لاره غوره کړه،

موږ د ۱۳۷۱ کال د ثور په اتمه نیټه ویاړو چي په دغه نیکمرغه ورځ د سیاسي قدرت واک په مستقیم ډول دافغانستان دستر جهاد په نتیجه کی مجاهدینو ته انتقال شو او رسماً د جمهوریت بنسټ کیښودل شو که څه هم زموږ د خاوري او دین دښمنانو موږ پري نښودو چي د خپلو هیوادوالو په ژورو ټپونو د مرهمو پټی کیږدو او خپل کنډوالـه کنډواله هیواد له سره آباد کړو خو بیا هم ویاړو چي موږ د نړی دیو زبر ځواک د ښکیلا ګګرو منګلولو ځخه وژغورل شو او دادي اوس په دي خوښ یوو چي له دي وروسته د مخالفتونو او جنګونو سنګرونه د ملي پیوستون او متقابل تفاهم په سنګرونو بدلیږي.

ویاړ دي وي د ثور په 8 نیټه دغه دافغانانو د ملي ژوند او آزادي د تامین او په هیواد کي د اسلامي جمهوري نظام د بنسټ ایښودو په ورځ او تل دي وي دافغان غیرتي اولس خپلواکي، خوشحاله دي وي د خپلواکی د لاري د شهیدانو اوراح.

از حماسه تا فاجعه

وحید مژده

هشتم ثور، سالروز سرنگونی رژیم دست نشاندهء شوروی و بقدرت رسیدن مجاهدین در افغانستان است. این تحول که امید های بسیاری برای صلح دایمی به آن وابسته بود، به زودی سرآغاز دور جدیدی از یک جنگ خانمانسوز داخلی شد و امیدها را به یأس مبدل ساخت.

در مورد عوامل عدم تحقق آرزوهای مردم سخن بسیار گفته اند. بی برنامه بودن مجاهدین در امر حکومت، دخالت دست های خارجی، اختلافات ناشی از حسد و کینه میان خود مجاهدین، بی تفاوتی جامعهء جهانی نسبت به مشکلی که ریشه در تصمیم های دوران دوقطبی بودن جهان و جنگ سرد داشت...

مشکل را می توان از ابعاد مختلف مورد ارزیابی قرار داد اما یک عامل عمده که کمتر به آن پرداخته شده، موضوع تأکید مجاهدین به مستقل بودن و تأثیرات آن بر کشور های خارجی بخصوص همسایگان بود که به عنوان یک عامل بسیار عمده در تغییر یک حماسهء بزرگ به یک فاجعهء ناگوار نقش داشت.

شکی نیست که مجاهدین در شکست اتحاد شوروی از کمک های غرب و جهان اسلام برخوردار بودند اما اهمیتی که شکست اتحاد شوروی در آن زمان برای غرب داشت به حدی بود که غربی ها در صدد برنیامدند تا از طریق اعمال نفوذ بر مجاهدین، خواست های خود را برآنان بقبولانند. حتی در آموزش مجاهدین سعی براین بود تا مثلا امریکائی ها خود در آموزش حتی سلاحهای پیشرفته یی چون استینگر، بلوپایپ و میلان سهم نگیرند و این کار را به وسیلهء افسرانی پاکستانی انجام دهند که به مجرد بلند شدن صدای اذان، به سرعت برای ادای نماز می شتافتند.



غربی ها می دانستند که افغانها در مورد مستقل بودن خویش سخت حساسند و اعمال نفوذ را نمی پذیرند. به خاطر اهمیتی که جهاد افغانستان برای غرب داشت، آنها در این رابطه بسیار دقیق بودند. چنانچه بعد ها در جنگ جلال آباد دیده شد، این تشخیص کاملا به جا بود. در آن جنگ پاکستانی ها برای اولین بار سعی کردند تا مستقیماً در بخش رسانیدن امکانات لوژستیکی به مجاهدین کمک کنند و این کار آنان تأثیر معکوس به بار آورد. مجاهدین این دخالت یک کشور اسلامی و حامی خود را اقدامی که ممکن است با خروج نیروهای شوروی موجب تقویت نقش پاکستان به عنوان یک قدرت خارجی در افغانستان گردد تلقی نمودند و در جنگ مذکور ضعف نشان دادند. این جنگ در مجموع به ضعف روحیهء مجاهدین و تقویت روحیهء رژیم نجیب انجامید.

دههء هشتاد میلادی را می توان دوران اوج تمایلات استقلال طلبانه در جهان اسلام خواند. شعار لاشرقیهٔ و لاغربیه از المغرب تا فلپین ورد زبان اعضای همه نهضت های آزادیبخش به خصوص نهضت های اسلامی بود.

جهاد افغانستان در طول چهارده سال، اتحاد شوروی را به سراشیب سقوط قرار داد و فروپاشی اتحادشوروی به مجاهدین غرور فوق العاده بخشید. مجاهدین به این باور بودند که آنها قدرتی را سرنگون کردند که امریکا و غرب در برابرش احساس عجز می کردند. با آزادی اروپای شرقی و آسیای میانه، اکنون دنیا مدیون افغانهاست و باید به افغانها کمک کنند.

در حالی که مجاهدین غرق در این رؤیا ها بودند، در غرب تحولات دیگری در جریان بود. با از میان رفتن اتحادشوروی و پیمان وارسا، عواملی که ان زمان دشمن غرب بودند، اکنون پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در صدد توجیه ادامهء حیّات خویش به عنوان یک ضرورت دفاعی برای غرب بود. ساموئل هاتینگتون با تئوری جنگ تمدن ها خبر از دوران جدیدی می داد که در آن دوران تقابل تئوری ها به سر آمده و دوران جدیدی فرا رسیده است. در عصر جدید تمدن ها با هم به مقابله برخواهند خواست. به نظر او تقابل میان تمدن غرب و اسلام مشخصهء بارز قرن جدید است.

همسایه های افغانستان رژیم جدید در کابل را بیش از حد مستقل و غیر قابل کنترل می یافتند. این باور زمانی تقویت بیشتر یافت که در تاجیکستان میان دولت مرکزی و مخالفان اسلام گرا به رهبری سیدعبدالله نوری جنگ درگرفت و هزاران مهاجر تاجیک به شمال افغانستان پناه آوردند.

شمال افغانستان بیشتر پایگاه جمعیت اسلامی دانسته می شد که قدرت در کابل را نیز در دست داشت و درگیر جنگ و مقاومت در برابر رقیب اصلی خویش حکمتیار بود.

همسایگان و برخی از کشورهای دیگر می دیدند در حالی که دولت مجاهدین با هزاران مشکل دست به گریبان است، به مسائل منطقه یی و جهانی توجه دارند. این مسأله موجب هراس بیشتر از پا گرفتن این دولت در افغانستان شد و همه درصدد برآمدند تا آن را به هر قیمت ممکن تضعیف نمایند و در میان ملت بی اعتبار سازند.

این کار نه تنها از طریق فشار برکابل پایتخت کشور صورت می گرفت بلکه ترس بعضی کشور های همسایه از این که مبادا دولت مجاهدین قدرت بگیرد و به حرکت های اسلامگرایانه این کشور ها نیز سرایت کند موجب شد تا آنها به تقویت جناح هایی در شمال افغانستان نیز دست بزنند تا با تضعیف دولت مجاهدین، از آنها به شکل یک حرکت بازدارنده استفاده کنند.

در حالی که همسایگان از دولت نوپای مجاهدین و اقدامات بعدی آن در هراس بودند، مجاهدین به این نگرانی ها توجهی نداشتند و گمان می کردند چون حق بزرگی بر گردن غرب دارند، کشور های غربی به افغانستان کمک خواهند کرد و نیازی به کمک کشور های همسایه نیست.

اما با سرنگونی اتحاد شوروی، غرب به هدف بزرگ خود رسیده بود. دیگر آن اهداف به گذشته پیوسته بود که غرب به خاطر تضعیف اتحاد شوروی حتی به نویسندگان درجه سوم آن کشور چون بوریس پاسترناک جایزهء نوبل می داد. افغانها با آنهمه قربانی و نقشی که در فروپاشی اتحادشوروی ایفا کردند، مستحق هیچ جایزه و حتی توجهی قرار نگرفتند.

در حالی که وقایع افغانستان دیگر از سرخط روزنامه های غرب کم کم حذف می شد و این کشور در هاله یی از فراموشی فرو می رفت، دست همسایگان برای مداخله در افغانستان باز شد و به این ترتیب یک حماسهء بزرگ که در مسیر تاریخ بشر تأثیر گذار بود، جایش را به فاجعهٔ خونین سپرد.

خطابه یی به خطا کاران شوروی سابق

کک دیله؟ *

محمد افسر رهبین

ها، نگفتمت؟!
صدای من صداست.
ها، نگفتمت؟!-
که رخت روح من -
پر از گلابتون واژه هاست.
گفتمت که من درخت سرکش و ستبر
در کنار جویبار نابریدهٔ زمان
سالهاست قد کشیده ام.
بر بگرد و در پی سقوط من مباش!
گفتمت، که برگ برگ من -
جواب نامه های عاشقانه هاست.
نامه های عاشقانه یی، برای خاک
شاخه های سبز من، همه
توغهای فتح سده هاست،
"چور" میشوی،
"چور"،
لیک، باورت نبود.
ها، تو پشت راهوار ابترت سوار
با صفیر دلخراش،
غر زده درآمدی و
روی گندم و گیاه و آفتاب
نامهای کاذب،
از تبار خود، گذاشتی.
هان، أی سوار آهنی کلاه!
نامه یی به دست و نامه یی به جیب،
آمدی، مگر نگفتمت؟!
(برو که نامه هاترا از پشت خوانده ام.)
لیک باورت نبود.

عمرها گذشت و تو،
خانه را و کوچه را و کشتزار را،
شخم کردی و به جای گندم و گیاه و آفتاب،
زخم کاشتی.

من درخت سرکش،
با هزار نامه یی که روی برگهای سرخ خود نوشته بودم،
قصه های جاودانه گی خاک خویش را،
بازگو شدم، مگر
کر شدی و کر شدی.
هان، ای سوارهٔ پیادهٔ شکسته پا!
گفتمت که: ریشه هام و ساقه هام و شاخه ها و برگهای من -
صداست.
گفتمت که: سجده گاه من،
آسمان هفتم است.
با چی ات؟ برابر من و هوا و خاک و خانه ام،
در ستیزه ای؟
کور می شوی -
کور!

لیک، کر شدی و کر شدی.
مرکب ترا، که پای در گل است.
قبلهٔ مرا که فتح حاصل است.
های!
(کک دیله)؟!

کابل زمستان ۱۳۶۷

* (کک دیله) اصطلاح رویست و معنای چطور هستی را می رساند که گاهی به مفهوم کنایی نیز مطرح می گردد

مبارک باد صبح پیروزی

حمید شریفی

مبارک صبح پیروزی به هر پیر و جوان ما
به مردان و زنان میهن و آوارگان ما
به آن سنگر نشینان جهاد جبههٔ توحید
به آن فجر آفرینان سترگ و کاردان ما
مبارک باد به مظلومان به کافهٔ ملت افغان
به آن پیروزمندان، فاتحان، فرماندهان ما
به خون خویش رنگین گشت و با آزادگی آموخت
به دنیا درس ایثار و شهامت مردن ما
نگه کن وعدهٔ حق چون تحقق یافت در عالم
چسان پشت ابر قدرت شکست مستضعفان ما
نگر پیروزی ما را نیامد رایگان بر دست
بود از فیض خون پاک خلق قهرمان ما
به دست خالی و پای برهنه تاخت بر دشمن
به تاریخ ثبت گشت حماسه های جاودان ما
شکوه نعرهٔ تکبیر شکست پشت تجاوز گر
کمونیزم محو و نابود شد زتاریخ جهان ما
کنون بر شکر این نعمت همه با هم کنیم وحدت
که سوخت از اختلاف آخر سراسر آشیان ما
بود وقت صفا و صلح و همفکری و همکاری
نه وقت فتنه و آشوب و جنگ اندرمیان ما
سرشک شادی اندرچشم ما تبدیل به خون گردید
خدا را خوش نمی آید که خندد دشمنان ما
مجاهد بهر حق جنگد نه بهر کرسی و ثروت
چنین گفته است در قرآن خدای مهربان ما
تفنگت سینهٔ دشمن اگر بشگافت عیبی نیست
که او بود خصم دین و میهن و ناموس و جان ما
مبادا قلب همسنگر شکافی با تفنگ خود
که نفرینت کنند یکسر همه هم میهنان ما
به قول و گفتهٔ الله "واعتصموا بحبل الله
ولاتفرقوا" باشد به قلب و در زبان ما
نژاد و ملت و تبعیض خلاف دین اسلام است

اصالت جز به تقوا نیست به دستور قرآن ما
الهی میهن ما را به لطف خود نگهداری
زکین دشمنان و اختلاف دوستان ما
"شریفی" خاک پاکش را به چشمم توتیا سازم
اگر آرد کسی یک مشت خاکی ارمغان ما

انتخاب

س. خزان

هغه زړه چي ستا د عشق په اور کباب دي
که مرهم وربانديَ کيږدي ډير ثـــواب دي
حجابونه له اغيارو مناســــــــب دي
ديدارونو په ياري کي څه حجـــــاب دي
بي له تا چي ښايسته وي بي حســـــابه
په هغوي کي هم ستا حسن انتـخاب دي
لکه گل چي تر افتاب پوري خــــجل وي
دغه هسي ستا تر مخ پوري افتـــــاب دي
دا دميو څه مستي او سرخي نــــــــه ده
تيغ د سترگو يي په وينو کي غرقـــاب دي
زه رحمان به څه خواب کوم ويار تـــــه
و ژوند يو ته د مړو څه خــــــواب دي

عبدالقهار عاصی

درختهای عزیزی به نام آزادی

تو آمدی و شب و روز تازه یی آمد
تو آمدی و شب و روز انتظار شکست
هزار ساله زمستانیان مزرعه ام
جوانه بار آورد
درخت خانهٔ همسایه در شگوفه نشست
زباد بیزهٔ دامانت آسمان پر شد
به کهکشان کشدم جلوه های سرخ تنت
چراغ من
چقدر نازک است پیرهنت
بخیر باد قدم های سبز بارانیت
ولی
تو تا ترانه بخوانی بهار می گذرد
توتا شگوفه کنی
بته زار خواهد شد
مزار من
وطن خوابهای زرینم
توتا برقص بر آیی و آتش افروزی
مرا و عشق مرا، کوچیان جلگه نشین
درو گران غریب
برای خاطرهٔ بازگشت وسنبله ها
به ملکهای جدایی
ترانه می سازند
توتا به هلهله از مرغزار برگذری
ترا وعشق ترا دختران بالاده
برای شام تماشایی قیامت کوچ
فسانه های ترا کوچیانه می سازند
به گرد خرمنت ای نازنین بود آیا
خرابتر از پیش
سروده های تو دیوان را خراب کند
به چشمهای تو دیوانه خواب می بیند
دوباره رستن سبزینه های باکره را
شنیده است که آنجا
- به چشمهای تو -
بنوشته اند آیاتی
که این تسمم باروتی از مزارع را
چگونه باید رفت
شنیده است که آنجا
به چشمهای تو
نشانده اند
فصلی چند
درختهای عزیزی بنام آزادی
از آن سبب همه عشق
فراز گردنهٔ ده درخت و دیوانه
برای جنگل فریادی تو میرقصد
از آن سبب همه سبز
فراز گردنهٔ ده
درخت و دیوانه
به پیشواز تو و مرگ خویش
می خوانند
اینچنین
ترسم آن دختر را
هیولا به پس سد سکندر ببرد
ترسم آن خرمن را
به چپاول گیرند
ترسم آن آینه راجیوه گران
باصدایی دیگر
از شکستی دیگر
جیوه کنند
اینچنین تنگ که شب
می فشارد در بر
ترسم آن نور چراغ
که مرا
از سر کوچه به بازار گره می بندد
نقش برسایه شود
اینچنین سردکه شب
از برخانهٔ من می گذرد

عجیبه دموکراسی!

س. خزان

د پيتاوي حکاياتو او عاميانه رواياتو په يوه برخه کي راغلي چي پخوا زمانه کي حيواناتو هم د انسانانو په څير خبري کولي او په يوه مدني ټولنه کي يي ژوند کاوه، د ځنگله د امنيت او د اجتماعي عدالت د تامينولو مسئوليت د غټو حيواناتو پرغاړه و او د ځنگله د روزني او پالني کارونه دوړو حيواناتو له دندو څخه وو. غټو حيواناتو به هره ورځ ميلي او چړچي کولي، چاغ، چاغ پسونه او تنکي، تنکي وري به يي رانيول، کبابول او په مزه مزه به يي خوړل؛ خو کله چي به کوم گيدړ، پيشو او داسي نورو وړو حيواناتو له ډيري لوږي او نا چاري څخه کومه چرگه، مرغۍ يا دهغوي هگۍ وخوړلي نو سمدلاسه به دغټو حيواناتو له خوا د حيواني حقوقو د تيري په جرم تر تحقيق او تعقيب لاندي ونيول شول او بي له کومي محاکمي به دخپلو اعمالو پر سزا ورسيدل.

واړه حيوانات به ددي کار او چلند په ليدلو سره هک حيران پاتي شول او په خواشينۍ به يي د خانوسره ويل:

عجيبه ديموکراسي او عجيب اجتماعي عدالت؟ د کوم عمل په جرم چي موږ خواران نيول کيږو، وهل کيږو او وژل کيږو، غټ حيوانات هم عين هماغه اعمال ترسره کوي آن لاڅو برابره زموږ څخه زيات؛ خو ددوي لپاره نه کومه گناه شته او نه کومه سزا.

اعتراف به عزت وکرامت انسانی از عمده ترین ...

برادر گرامی رئیس صاحب پوهنتون کابل، برادر محترم پروفیسور عبد رب الرسول سیاف، دانشجویان عزیز، مهمانان و حاضران گرامی!

السلام علیکم ورحمه الله و برکاته

جای بسیار خوشبختی است که در روز خجستهٔ میلاد سالار پیامبران صلی الله علیه وسلم در این محیط دانشگاهی با شما صحبت می نمایم.



تدین با تمدن هیچ گونه منافاتی ندارد، شما همین اروپای متمدن را دیدید که در مرگ پاپ جان پل دوم چگونه پای بندی و التزام خود را به باورهای دینی اش نشان داد

شکی نیست که میلاد با سعادت پیامبر گرامی نه تنها برای مسلمانان بلکه برای تمام جوامع از الطاف و رحمت بیکران الهی به شمار می رود. اگر مراکز تمدنی یونان، شرق میانه و هندوستان را بررسی کنیم که آنها دربارهٔ انسان چگونه برداشت هایی داشته اند؟ در می یابیم که درمیان انان طرز دیدهایی متفاوت وجود داشته است. از جمله ارسطو معتقد به طبقه بندی انسان ها بود حتی او معتقد بود که دموکراسی نظامی است برای مردم عوام نه برای زمامداران، و تصمیم های مردمی بر اساس فیصلهٔ جوامع و ملت ها نباید گرفته شود.

در تمدن مصر نیز که آثار مدنیت مردم آن تا هنوز در اهرام آن دیار مشاهده می شود، اقوام و ملت ها هیچ ارزشی نداشتند و این مسأله در قرآن نیز ذکر گردیده است: (فاستخف قومه فأطاعوه) یعنی فرعون قومش را به نظر حقارت می نگریست، و آنان از وی اطاعت می کردند.

همچنان در تمدن هند جامعه به طبقات مختلف تقسیم بندی شده بود که برهمن ها در رأس و چودری ها در پایین ترین طبقه قرار داشتند.

اما زمانی که به تمدن اسلامی بر می گردیم، می بینیم که نخستین پیام آن حضرت صلی الله علیه و سلم برای انسانیت این بود: "ای مردم همهٔ شما از آدم هستید و آدم از خاک، پس هیچ برتری نیست عجمی را بر عربی و نه سرخ پوستی را بر سیاه پوست مگر به تقوا."

پیام پیامبر گرامی اسلام اعلام کنندهٔ این بود که ارزش انسان برمبنای طبقات اجتماعی استوار نیست. و اعتراف به عزت و کرامت انسانی از عمده ترین ارزش های پیام آن حضرت صلی الله علیه وسلم است و اساس مبارزات تاریخی را در دوره های مختلف، در نظام های چپ و راست و در فرهنگ های متمدن تشکیل می داده است و همواره طبقات پایین سعی می نموده اند که چگونه این ارزش ها را به دست بیاورند و از ظلم و استبداد رهایی یابند. مانند انقلاب کار گری، انقلاب روشنفکری در اروپا و...

اما در نظام اسلامی ضرورت به هیچ نوع کشمکش و مبارزه نیست چون از همه اول تر همه انسان ها با هم یکسان اعلام گردیده اند و اگر امتیازی نیز وجود داشته باشد نظر به شخصیت خود انسان است که به دانش، تقوا، ابتکار و اخلاق وی تعلق دارد و هرکس مجال پیشی گیری بر دیگران را در این راستا دارد. چنانچه زنی از زنان قریش مرتکب سرقت می گردد و پیامبر خدا حکم قطع دست این زن را صادر می کند اما در مقابل این حکم پیامبر خدا اشراف و بزرگان قریش ایستادگی می کنند و به شفاعت آن زن اقدام می کنند. و پس از جواب رد دادن به اشراف قریش از سوی پیامبر گرامی، اشراف قریش اسامه بن زید را نزد پیامبر می فرستند. اما رسول خدا می گوید که در نظام اسلام هر مرتکب جرم سزاوار سرزنش است و اگر دخترم فاطمه نیز مرتکب این چنین عمل می گردید به قطع دستش حکم می نمودم.

با میلاد پیامبر صلی الله علیه وسلم خط فاصلی در تاریخ ایجاد می گردد، چنانچه قبل از حیات ان حضرت صلی الله علیه و سلم جهان، جهان طبقاتی بوده است. در مورد تمدن ها، فرهنگ ها و پیروان ادیان مختلف این تفاوت وجود داشت که با آمدن پیغمبر صلی الله علیه وسلم کرامت انسان به وی اعاده گردید.

استادان گرامی و جوانان عزیز!

انعقاد چنین مجالسی، به شکل گذرا و موسمی نباید باشد بلکه چنین اجتماعات به عنوان یک حقیقت مهم و حیاتی از طرف مراکز علمی، استادان و نسل جوان ملت مؤمن ما برگزار شود و پیام من به نسل جوان این است که پیامبر ما پیامبر نسل جوان بود و تمام پیامبران نیز به همین گونه پیامبر نسل جوان بوده اند، چون آنها در زمان پختگی جوانی به پیغمبری مبعوث گردیدند.

پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه وسلم توصیه های زیادی راجع به جوانان دارد، اولین هسته یی را که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در خانهٔ ارقم بن ابی ارقم تشکیل می دهد، متشکل از نسل جوان بود که خوردترین آنها علی "رض" ده سال داشت و بزرگ ترین آنان حضرت ابوبکر صدیق بود که در آن زمان، سی و دو سال داشت و بعدها همین هستهٔ آنها به حیث یک قدرت مطرح شد.

حضرت محمد صلی الله علیه و سلم در یک اجتماع بزرگ، می فرماید:

" ای مردم! شما به نسل جوان احترام بگذارید؛ زیرا روزی که من دعوت را آغاز نمودم، بزرگسالان در مقابل من علم مخالفت برداشتند. اما کسانی که از من حمایت نمودند و در پهلویم ایستادند همین نسل جوان بود."

در کشور ما نیز تمام تحولات به ویژه تحولات اخیر، از طرف جوانان ما در مراکز علمی ایجاد گردیده است. مبارزه علیه تهاجم اتحاد شوروی ازمیان پوهنتون و از قشر جوان اعم از استادان و دانشجویان آغاز گردید.

ما مشکلات زیادی را گذشتاندیم ولی هنوز هم این مشکلات به پایان نرسیده است و دامن گیر کشورماست.

نجات ملت ما نه تنها در مبارزات آزادی بخش که در بازسازی و تشکیل یک ملت قوی و قدرتمند ومتکی به ارزش های دینی نهفته می باشد.

عمده ترین عاملی که اقشار و اقوام مختلف جامعهٔ ما اعم از پشتون، تاجیک، هزاره، ازبیک، ترکمن، پشه یی، نورستانی وغیره را با هم پیوند دهد دین است، چنانچه همین پیوند در خطرناک ترین دوره ها وجود داشته است. مانند جهاد در مقابل اتحاد شوروی که در این جنگ مقدس همه با هم یکجا شده و تمام مخالفت های شان را یکسو گذاشتند.

این حقیقت دیروز ما بود که باید فردا نیز از این راه بگذریم و همان گونه متحد باشیم که بودیم تا یک ملت واحد و قدرتمند را تشکیل دهیم و باید یاد آور شد که دین بزرگ ترین راه حل قضایای مشکل ما می باشد، از کوچک ترین تا بزرگ ترین مشکلات ما به اساس دین می تواند حل گردد، به گونهٔ مثال همه منازعات قومی در کشورما با جلسهٔ چند موسفید وعالم دین می تواند راه حل پیدا کند بعضی ها فکر می کنند که جوامع سنتی و مذهبی جوامع عقب مانده است، به نظر من این یک مفکورهٔ غیر علمی می باشد؛ چه بسا که یکی از عوامل و انگیزه های پیشرفت جوامع چنان که جناب دکتر اشرف غنی احمدزی گفتند، همانا همبستگی های ملی و سنتی باشد. اگر تاریخ ژاپن را مطالعه نمایید درخواهید یافت که آنها همیشه امپراتور خود را رمز مقدس و الهی می دانند و آنها وقتی به امپراتور خود احترام می گذارند تصور می شود که به او سجده می کنند.

این جزء فرهنگ آنها می باشد که آن را با قوت حفظ نموده اند، همین است که امروز ژاپن در اوج پیشرفت قرار دارد و این پیشرفت آنها یکی از پیامدهای همبستگی و اعتقادات سنتی آنها می باشد.

اما اگر به تاریخ آلمان دیده شود، آلمان شرق یک کشور غیر مذهبی و خلاف دین بود درحالی که آلمان غرب کشور دینی و عقیدتی بود که رشد اقتصادی این دو آلمان از زمین تا آسمان فرق داشت، آلمان غرب یکی از صنعتی ترین کشورهای دنیا ولی آلمان شرق یکی از عقب مانده ترین کشورهای دنیا!، و این اصل در تمام کشورهای بلاک شرق وقت دیده می شود.

من یک بار دیگر به جوانان توصیه می کنم که به دین و ارزش های والای آن چنگ بزنند و توسل جویند و باید توجه داشته باشند که در این راه هیچ خساره یی نمی کنند.

انسان متدین، انسان بسیار مدرن است به علت این که نظافت، پاکی، کار، تلاش، دلسوزی، ارزش های انسانی و عدالت اجتماعی تمام اینها در وجود یک مسلمان و متدین می باشد.

تدین با تمدن هیچ گونه منافاتی ندارد، شما همین اروپای متمدن را دیدید که در مرگ پاپ جان پل دوم چگونه پای بندی و التزام خود را به باورهای دینی اش نشان داد.

ما باید شخص را به معیار حق بشناسیم، اگر شخصی را دیدید که پیرو دین برحق است اما خودش آدم درست نیست، نباید قضاوت کنید که دین او نادرست است، بلکه باید بدانید که در هر جامعه و هر دین انسان های متفاوت زندگی می کنند و باید آنها را تفکیک نمایید.

و اقول قولی هذا استغفرالله لی و لکم
و لسائر المسلمین

ملکیار

دثوراتمه نیټه نړیواله پیښه ده

ذکو خیل

په داسي شرایطو کي، چي محمد ظاهر شاه (دملت بابا) د انګلستان او ایټالیي په سفر بوخت و او د چارو واکي یي د مشر زوي احمد شاه په لاس کي وي یعني نوموړي د سلطنت کفیل و سردار محمد داود خان د1352 هـ ش کال د سرطان د 26 نیټي له کودتاه وروسته د هیواد واک تر سلاسه کړ.

د داود خان د کودتاه په باب ډیرو کسانو او د نظر خاوندانو ډول ډول څرګندوني کړي دي. په هر صورت د کودتاه لاملونه هر څه ، چي وي وبه.

خو داودخان په داسي شرایطو کي واک تر سلاسه کړ، چي د ختیز او لویدیز ترمنځ کلکه سیالي او سره جګړه روانه وه، د ځینو کسانو په عقیده داود خان غوښتل له دي سیالي څخه په پراخه توګه ګټه واخلي، له دي امله یي پریکړي او غوڅ بهرنی دریځ نه درلود، ځکه خو غربي نړی له نوموړي سردار سره پر وخت لازمه مرسته ونه کړه: روسانو خو لا پخوا د داود خان د واکمنی د ړنګیدو کمین نیولي وء لاس پر خاسته ناست وو. دا له یوي خوا، له بله پلوه د داود خان د واکمنی په موده کي په هیواد کي د دولت په وړاندي نوي ستونزي را منځ ته کیدي، فساد ورځ په ورځ ډیر یده، بډي او رشوت، چي لا تر اوسه موږ ته په میراث پاتي دي بي پردي اخیستل کیدل، دا عوامل وو ، چي د داود خان دواکمنی ستني یي سستي کړي، لکه چي ورته اشاره وشوه روسانو هم ، چي ا وس پر ماشه ناست وو، د داود خان د واکمنی په وړاندي دوه مخي سیاست او کړنلاره درلوده ، چي په پاي کي د ثور د کودتاه زمینه برابره او دداود خان واکمني یي پاي ته ورسوله.

څرګنده خبره ده، چي د ۱۳۵۷ کال د ثور د اومي نیټي له کودتاه وروسته، چي واک د څو کسو خان غوښتونکو په لاس کي ولویده، که څه هم د کمونیستانو واکمنی پراخو پرګنو د شک په سترګه کتله، خو کله چي د ۱۳۵۸ هـ ش کال د جدي په شپږمه سري لښکري زموږ سپیڅلي اونه ښکیلاک کیدونکي خاوري ته راننوتي د افغان مجاهد اولس په هیواد کي دننه او بهر کي د الله اکبر په نارو په داسي شرایطو کي ، چي ختیز یي او لویدیزي نړي تر منځ سړه جګړه له بل هر وخت ډیره توده وه جهاد پیل کړ دافغان اولس د آزادی جهاد د غربي نړي له ګټو او غوښتنو سره پوره سمون درلود، له دي امله یي خپلي مادي او معنوي مرستي ونه سپمولي، په پایله کي افغانانو د بي ساري قربانی په ورکولو په داسي شرایطو کي، چي دنړي یوه لویه امپراطوري یي نسکوره او توټي کړي و خپله آزادي تر لاسه کړه، ویلي شو، چي دثور اتمه نیټه یوه نړیواله ، تاریخي او ارزښتناکه پیښه وه.

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت ...

هشت ثور نه تنها زوال امپراتوری داس و چکش را زمزمه کرد، بلکه درسی بود به هر متجاوزی که بخواهد بر بنیاد منافع آزمندانهٔ مادی و ایدئولوژیک خویش حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و هویت ملتی را به چالش بگیرد.

تجلیل از هشت ثور، بزرگداشت از پیروزی آزاده مردانی است که با دوری از هر گونه وابستگی، مبارزه علیه متجاوزان خارجی را سرو سامان دادند که همین شاخص را می توان به حیث رمز تداوم و پیروزی آنها به خوانش گرفت.

تاریخ زندگی ملت ها شاهد خیزش و رستاخیزهای فراوانی بوده و هست. اما هشت ثور در تاریخ سیاسی معاصر کشور ما سرشت و طبیعت ویژه دارد. دهه های چهل و پنجاه و شصت قرن چهاردهم خورشیدی و یا ربع اخیر قرن بیستم که ویژگی عمدهٔ آن را اوجگیری جنگ سرد میان کمونیزم و سرمایه داری تشکیل می داد، دورانی است که همه جنبش ها به گونه یی در گرو بلوک های یاد شدهٔ کمونیزم و سرمایه داری قرار داشتند.

اما خیزش و رستاخیز اسلامی افغانستان چه در مرحلهٔ ولادت مبارزات سیاسی اش و چه در مرحلهٔ جهاد مسلحانه، با وصف سلطهٔ ایدئولوژیک ابر قدرت های قرن بیستم در استخدام حرکت های جهان سوم در جهت منافع ویژهٔ خود، با موضعگیری مستقلانه اش و بر بنیاد دفاع از هویت ملی و دینی خویش، سلسله جنبان قیام بر ضد قدرتی شد که همه، به شمول جهان سرمایه داری مرعوب آن بودند و این قیام را نوعی جنون تلقی می کردند.

آری! همین عدم وابستگی این خیزش عظیم مردمی بود که دولت مجاهدین را آماج توطئه های رنگارنگ کرد.

بدون شک افراد و حرکت هایی که می خواهند پیروزی جهاد و مجاهدین را به بهانه های مختلف زیر سؤال ببرند و شعار ضد مجاهدین را سر می دهند، یا در جملهٔ کسانی اند که از رهگذر محرومیت و عدم سهم گیری خود در آزمون بزرگ دفاع از دین و میهن احساس حقارت نموده و به چنین کارهایی دست می زنند، تا تشفی قلب کرده باشند و یا آن دسته از گروه های بریده از هویت ملی خویشند که همه چیز را به ترازوی سیاست های حاکم دوران وزن می کنند.

تجلیل از هشت ثور امسال در شرایطی صورت می گیرد که افغانستان دارای رئیس جمهور منتخب است ویقیناً مسؤولیت های کنونی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان نسبت به هر وقت دیگر حساس تر است.

گرچه عدم موفقیت دولت در عرصهٔ تقدیم خدمات اجتماعی و ایجاد زمینه های اشتغال با وصف

هشت ثور نه تنها زوال امپراتوری داس و چکش را زمزمه کرد، بلکه درسی بود به هر متجاوزی که بخواهد بر بنیاد منافع آزمندانهٔ مادی و ایدئولوژیک خویش حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و هویت ملتی را به چالش بگیرد

امکانات بی دریغی که از طرف جامعهٔ جهانی در اختیار دولت قرار می گیرد، پرسش هایی است که در اذهان فرد فرد این ملت نقش بسته و با گذشت هر روز وهر ماه و سال پرسش هایی تازه مطرح گردیده و می گردد.

اما پرسش اساسی که اکنون در اذهان فرد فرد این ملت مطرح شده وهمه ذهنیت ها را به خود مشغول کرده است دو پرسش اساسی است که یکی به برگزاری انتخابات پارلمانی پیوند می خورد و دیگری هم به ایجاد پایگاه های امریکا در افغانستان.

جمعیت اسلامی افغانستان به این باور است که تصور هرگونه اعمال نفوذ دولت، جانب داری و استفاده از امکانات دولتی به سود اشخاص وگروه هایی

برقراری امنیت وتأمین ثبات پایدار یکی از نیازهای اساسی و اولویت های مرحلهٔ کنونی مردم ماست که می شود آن را از راه های ختم بحران اعتماد، تأمین وفاق ملی، پایان بخشیدن به تبلیغات سوء علیه افتخارات تاریخی وجهادی و استفاده از همکاری های مالی ونظامی کشورهای دوست و همسو با افغانستان برپایهٔ تأمین منافع ملی متقابل به دست آورد

ویژه وعدم رفع نقایص موجود در روند برگزاری انتخابات چهرهٔ این انتخابات را خدشه دار ساخته و باور ملی را نسبت به آن کمرنگ می سازد.

و اما اجازهٔ ایجاد پایگاه برای ایالات متحدهٔ امریکا در افغانستان از چند جهت قابل تأمل است، نخست آن که هرگونه تصمیمی در این راستا به پارلمان واگذارد.

دوم آن که باید هرگونه تصمیم در این راستا برپایهٔ سوابق تاریخی منافع ملی وحفظ استقلال افغانستان اتخاذ گردد.

اتخاذ تصامیمی مهم از این طراز را نباید به قضاوت ها و داوری های اشخاص و گروه های پرورده در دامان منافع ملی دیگران وبریده از هویت تاریخی وملی و دینی واگذاشت.

درست است که برقراری امنیت و تأمین ثبات پایدار یکی از نیازهای اساسی و اولویت های مرحلهٔ کنونی مردم ماست که می شود آن را از راه های ختم بحران اعتماد، تأمین وفاق ملی، پایان بخشیدن به تبلیغات سوء علیه افتخارات تاریخی وجهادی و استفاده از همکاری های مالی ونظامی کشورهای دوست و همسو با افغانستان برپایهٔ تأمین منافع ملیّ متقابل به دست آورد .

البته اعلام چنین موضع از طرف جمعیت هرگز بدان معنی نخواهد بود که همکاری های ایالات متحدهٔ امریکا را در تحولات اخیر کشور دست کم بگیرد، بلکه به آن ارج فراوان می گذارد. همان گونه که وجود نیروهای آیساف را به دیدهٔ تقدیر نگریسته و می نگرد.

جمعیت به این باور است که تأمین وحدت ملی، برقراری امنیت پایدار، شفافیت در امر استفاده از امکانات دولتی و کمک های جامعهٔ جهانی در امر بازسازی ونوسازی وجلوگیری از هرگونه تبلیغات سوء علیه افتخارات تاریخی و جهادی وکمرنگ جلوه دادن آن در حیات ملی بازهم، از اولویت های مرحلهٔ فعلی درحیات سیاسی ما به حساب می رود.

ترکیز بر منافع ملی، برقراری ثبات و امنیت، وحدت ملی و تأکید بر افتخارات دینی وملی اتکا به خودی ملی و تلاش در راه تأمین اعتماد ملی که پشتوانهٔ مورد اطمینان یک افغانستان با ثبات است پیام اساسی جمعیت در طول دوران مبارزه، جهاد و مقاومت و مرحلهٔ فعلی بوده و این سیاست را در عرصه های سیاست داخلی و خارجی تعقیب نموده ومی نماید.

در اخیر یک بار دیگر فرا رسیدن سیزدهمین بهار پیروزی مجاهدین را به همه مجاهدان راه آزادی و خانوادهٔ شهیدان راه جهاد وکافهٔ ملت سر افراز افغانستان تبریک و شادباش می گوییم و دوام پیام این افتخارات را از بارگاه ایزدمنان نیاز می بریم و از همه مجاهدان و فرزندان راستین عزت و اعتلای وطن متمنی ایم که افتخارات آبیاری شده با خون پاک فرزندان این ملت را دست کم نگیرند و در برابر امواج ویرانگر هویت زدایی و جهاد ستیزی کمر خم نکنند و یقین داشته باشند که سرنوشت این حباب های برخاسته از امواج موسمی، نابودی است و پیروزی از آن ملت و راستین فرزندان آن است که سنگردار دفاع از افتخارات در همه روزهای تلخ بوده اند.

گرامی باد خاطرهٔ پیروزی جهاد ومجاهدین راه دفاع از آزادی وعزت وشرف

به پیش در راه دفاع ازاستقلال و مشارکت سیاسی وتوسعهٔ ملی

بی برنامگی دولت در مبارزه با مواد مخدر

تکساری

اقتصاد افغانستان، به دو منبع متکی است. یک بدنهٔ اقتصاد کشور از منابع نا مشروع سرچشمه می گیرد، که این منابع از طریق مواد مخدر و قاچاق داخل جریان اقتصادی می گردد دو دیگر به وسیلهٔ کمک های بلاعوض، هزینه های امنیتی، انکشاف، بازسازی، توسعهٔ اجتماعی، رشد ظرفیت های اداری و زیر ساخت های اقتصادی دولت تأمین و احیا می گردد.

کمک های خارجی ظرف سال های اخیر، عمدتاً به هدف امنیت و رشدکیفیت کار ادارات دولتی به مصرف رسیده است و پولی که بتواند در جهت زیر ساخت ها، شاهراه ها، انرژی و آب، ایجاد شهرک ها وغیره به مصرف برسد، کمتر به مصرف رسیده است. دولت هزینه های بازسازی و خدمات اجتماعی خود را ظرف سال های اخیر ۲۷ میلیارد دلار تخمین می زند. و از کشورهای دونر متقاضی است، تا این کمک ها را در اختیار دولت قرار دهد. اما ادامهٔ این کمک ها در دراز مدت، برای مردم افغانستان شرم آور است و دولت ناگزیر است، تا از طریق درآمد داخلی امور اقتصادی خویش را سامان دهد.

وزیر مالیهٔ کشور در مرکز مطالعات استراتژیک بین المللی در واشنگتن اصرار داشت که دولت تحمل پرداخت قروض را ندارد و باید کمک ها به طور بلاعوض به جانب دولت تحویل داده شود، و این کمک ها را، دولت باید دریافت کند نه انجوها و مؤسسات غیر دولتی. از سخنان وزیر ارشد دولت چنین معلوم می گردد که گویا نزد کشورهای کمک کننده، ظرفیت کاری دولت تحت سؤال قرار گرفته باشد، و دولت استعداد جذب کمک ها را در اختیار خود ندارد و کشورهای کمک کننده مجبور اند تا این کمک ها را در اختیار انجوها قرار دهند. به هدف این که این مؤسسات غیر دولتی مرکز جذب متخصصان و کارشناسان عرصه های بازسازی و نوسازی در کشور است.

طوری که معلوم می شود هم اکنون انجوها به مثابهٔ یک دولت عمل می کنند؛ البته دولتی در داخل دولت. به سخن دیگر دولت قادر نیست از این انجوها حسابدهی و شفافیت تقاضا نماید. و این چیزی است که وزیر پیشین پلان را مجبور ساخت که کابینهٔ دولت آقای کرزی را به نقد بکشد و انجوها را چپاولگران دارایی مردم بخواند و خود را مستعفی سازد. او با این شیوهٔ برخورد خویش در برابر انجوها خود را در جنب روشنفکران و منتقدان دولت آقای کرزی قرار داد. اما این مشکل تا کنون به حال خود باقی است و انجوها حاضر به حسابدهی و شفافیت به دولت نیستند.

از جانب دیگر دولت در برخورد با محو کشت کوکنار برنامهٔ منظم ندارد. دولت همواره از معیشت بدیل صحبت می کند و نمی تواند در این زمینه ها به مردم همکاری نماید و این کار ایجاب مدیریت و کاردانی را می نماید که دولت فاقد آن است.

سوء مدیریت وبی برنامگی دولت، کمک های خارجی را به هدف محو کشت کوکنار بی نتیجه می سازد. وتعدادی از اشخاص و افراد از این پول ها، برای خود و خانوادهٔ خود زر می اندوزند و از زر دیگدان می سازند. برخلاف، دهقانان کشور کمترین استفاده را از این پول ها به دست می آورند.

در مورد محو کشت کوکنار ازجانب مقامات دولتی تا کنون کدام آیین نامهٔ دقیق طرح و تدوین نشده است که دهاقین خود را مکلف به تطبیق آن بدانند. این بی برنامگی دولت، دهاقین برخی از مناطق کشور چون قندهار وهرات را به خشم واداشت تا در برابر تصمیم دولت مقاومت نمایند و در مقابل از دولت طالب مساعدت مالی گردند. گمان می رود از الگوی هرات و قندهار دهاقین سایر مناطق افغانستان پیروی نمایند و در صورت مقابلهٔ دولت با این دهاقین، به یقین دولت اعتماد خود را درمیان دهقانان کشور از دست می دهد که زیان بزرگی به نظام دموکراسی دولت خواهد گذاشت!

دولت در این زمینه فقط به فتوای علمای کرام توسل می ورزد و از متنفذان محل، طالب همکاری می شود. حتی حکمت چتن نمایندهٔ ارشد ملل متحد در افغانستان، نگرانی خود را در خصوص محو کشت کوکنار در ننگرهار اعلان داشت و گفت که در صورت عدم مساعدت ملل متحد به دهاقین افغانستان، بیم آن می رود که کشت کوکنار از سر گرفته خواهد شد.

از ظاهر قضیه چنین معلوم می گردد که ایجاد وزارت مبارزه با مواد مخدر به دست آوردن معاش های دلاری برای شماری از اشخاص و افراد خواهد بود؛ چیزی که مردم آن را زمزمه می کنند، در غیر آن تا کنون این وزارت کدام برنامهٔ افغانستان شمول در خصوص این قضیهٔ بزرگ ارائه نکرده است. اگر مبلغ هشت صد میلیون دلاری که به هدف محو کشت کوکنار در نظر گرفته شده است، بتواند با یک مدیریت سالم در خدمت دهاقین کشور قرار داده شود، به یقین دولت در این مبارزه دست آوردی بزرگ خواهد داشت. اما اوضاع نشان می دهد که دهاقین به حال خود گذاشته می شوند و دیگران به نام دهاقین سود فراوان خواهند برد.

چگونه می توان از عیب های شخصیت خویش رهایی یافت؟

آیا به عیب هایی که در شخصیت وجود دارد آشنایی داری؟

از منابع عربی

ترجمهٔ محمود الله فیروز

شخصیت انسان از برنامه ها، طرز دید، عادات، رفتار نیکو، اندازهٔ برداشت، ارج گزاری به شخصیت خود، برقراری روابط با دیگران، متأثر شدن از نامالیمات گفتار و کردار مردم و ایستادگی در مقابل آنان، تشکیل گردیده است. همچنان طبیعت و رفتاری که انسان را از دیگران متمایز می سازد و آن را (کاراکتر) می نامند و این لفظ بر گرفته شده از زبان یونانی است که معنای علامت، نشانی و نمونه را می دهد.

رفتار انسان نمایانگر داشته های اساسی مثبت و منفی است که در همه انسان ها یکسان وجود دارد و این داشته ها را دو استاد هالندی در دانشگاه گرونیچ طی یک تحقیق در ۲۵۲۳ مورد در وجود هر انسان کشف نموده اند که سرمنشأ بخشی از علم روانشناسی امروزین شناخته می شود.

اگر به فرض، نقاط منفی یی که در شخصیت انسان وجود دارد از ۵۰ مورد تجاوز نماید، در این صورت نباید دلهرگی را به خود راه داد چون موارد مثبتی در وجود نیز انسان وجود دارد که بیشتر از موارد منفی است، و همان گونه که به موارد مثبت دست یافته است به آسانی می تواند، موارد منفی در شخصیتش را ارزیابی کند و خویشتن را از آن رهایی بخشد.

فیلسوف فرانسوی رینیه لوسین تحقیقی مهم را در راستای ارتقای شخصیت انسان و ارزیابی طبیعت بشری انجام داده است و مزایاً و عیب های هرفرد را به شکل جداگانه تقسیم بندی نموده و این تقسیم بندی را با اضافه نمودن عواملی که عیب های انسان را محدود می سازد و کیفیت اصلاح عیب های انسان را مشخص می کند، به علم روان شناسی (همینز لوسین) نامگذاری کرده است.

بناءً برای هر انسان لازم است که به این تقسیم بندی آشنایی حاصل کند و خویشتن را در روشنایی آن دریابد و به مزایای اخلاقی آن خود را آراسته کند و به تلافی کاستی هایی که در شخصیت وی وجود دارد، اقدام ورزد.

شخصیت ها غالباً به اساس تقسیم بندی این فیلسوف فرانسوی این گونه صورت پذیرفته است:



۱-شخصیت منفعل: این گونه اشخاص، به خودخواهی، زود برآشفته شدن، بی صبری، زود برانگیخته شدن، دوگانگی و اضطراب متصف می باشند.

۲-شخصیت فعال: به این گونه اشخاص جرأت، اشتغال برنامه ریزی و اعتماد را نسبت می دهند.

۳-شخصیت متأثر: این گونه افراد از هرگونه احساسات درونی شان متأثر می شوند وهمیشه نا آرام می باشند. اما کینه نمی ورزند.

۴-شخصیت سنگین و آرام: البته هر نوع احساسات درونی این گونه افراد، بالای شان تأثیری وارد نمی کند اما اگر متأثر شوند، تأثرشان عمیق می باشد. ونیز این گونه افراد دائم خندان می باشند وکینه هم می ورزند.

۵-شخصیت عاشق: علامت اساسی این گونه اشخاص این است که آنان حریص و آزمند به اهداف شخصی شان می باشند و افکارشان پیهم بر یک هدف معین متمرکز می باشد. و آمادهٔ جاه طلبی و غلبه بر دیگرانند و در این راه حتی به خشونت توسل می ورزند و همیشه با تکبر و غرور حرف می زنند. اما نظر به چرب زبانی و مکاری شان درمیان مردم از محبوبیت خاصی برخوردارند. مزیت اساسی این گونه اشخاص، تقوای ظاهری و ریاکاری است.

۶-شخصیت خشمناک: دربارهٔ این گونه افراد، دانشمندان روان شناسی می گویند که آنها غالباً نرم خوی و زندگی دوست به نظر می رسند. اما چیزی که خشم آنان را بر می انگیزد، نتیجهٔ تعبیر افکار شان، می باشد که بسا اوقات به خشونت می گراید. مهم ترین مزایا و خوبی این گونه افراد به زودی روی آوردن به دوستان، مشغولیت دایمی، اجتماعی بودن، در برقراری ارتباطات با دیگران و خوشبینی در زندگی، می باشد.

اما غالباً علاقه مند جنگ، خشونت و پراکندگی می باشند و از گفتن حرف دل شان در مقابل هیچ کس ابا نمی ورزند.

۷-شخصیت دیوانه: دانشمند روان شناس، گاستون بیرجی معتقد است که این گونه افراد دارای طبیعت متحول می باشند و همیشه باعث برانگیخته شدن خشم دیگران می شوند. برنامه ریزی در کارها نزد آنان مفهومی ندارد و علاقه مند زیبا جلوه دادن هرواقعه می باشند ولو که به پیروی از دروغ و خیال محض بینجامد. وهر کارمنفی برایشان جالب است و زود جذب می شوند، زود راضی می گردند و به رفاه و آسایش میل می ورزند.

۸-شخصیت با عاطفه: دارندهٔ چهرهٔ پراندوه ومهربان و دارای اخلاق پسندیده می باشد. دایم غرق در افکار وخیالات است. علی رغم این که این گونه افراد در پی به دست آوردن مقصود شان پرتلاشند اما در صورت نرسیدن به مقصودشان امیدوار نیز می باشند. همچنان از خویشتن ناراحت، شرمگین، شکاک می باشند. همچنان در برقرار نمودن روابط خوب با دیگران طرفدار نمی باشند و به زودی به انزوا می روند. و از خصلت های مهم ایشان عدم اعتماد به خود، متردد بودن، وسواس، دل تنگی و پراکنده شدن اهداف می باشد.

همانگونه که تقسیم بندی بالا تقسیم بندی کلی نه بل جزئی از خصلت ها، صفت ها وعیب های موجود در شخصیت انسان بود و هرکس باید شخصیت خود را از لابلای این تقسیم دریابد و ببیند که آیا او دارای خصلت های پسندیده و یا نا پسند می باشد. و سپس به اصلاح عیب هایش اقدام کند که در مطالب بعدی انشاء الله ذکر می گردد.

نقش آفرینی جوانان در تحولات سیاسی

محمد مصدق فقیری

در شکل گیری تحولات سیاسی واجتماعی هر کشور نقش جوانان واضح و ملموس است ولی در کشور ما این نقش برجستگی خاص دارد. اگر به طور کامل و دقیق رویدادهای مهم تاریخ معاصر کشور خود را مورد مطالعه قرار دهیم. متوجه این واقعیت خواهیم شد که کودتای ننگین کمونیست ها در هفت ثور و پیروزی غرور آفرین مجاهدین در هشت ثور، نمونه های بارز نقش آفرینی جوانان در تحولات سیاسی کشور است.

وضع نا درست مملکت، پس ماندگی، بی سوادی، فقر و بی چارگی باعث به وجود آمدن احزابی شد که از بیرون تغذیهٔ فکری ومالی می شدند و در کنار اندیشه های سیاسی، افکار الحادی، ماتریالیسم و مارکسیسم را نیز داشتند که دین را افیون ملت ها وسیله و ابزار در دست استثمار گران می دانستند.

بنابر این در اردو، قطعات مسلح، دانشگاه و ادارات دولتی ، دیگر جوانان را جذب کردند و با افکار فریبندهٔ خود از قبیل آزادی ، مساوات ، ترقی، پیشرفت و حقوق کارگر و مبارزه علیه فئودالیسم و فساد اداری، بالآخره در هفت ثور ۱۳۵۷ دست به کودتاه زدند و قدرت سیاسی را در دست گرفتند.

در این دوران تمام آزادی ها پایمال شد. مردم سرکوب شدند ، حقوق بشر نقض شد و حکومت یک حزبی بر سر اقتدار آمد که حتی به رفقای خود رحم نکردند. و به یک دوران وحشت وترور تبدیل گردید.

در برابر این جنایت هسته های اولی جهاد که دانشجویان ، دانش آموزان و جوانان پایین رتبه در اردو و قطعات مسلح بودند، قیام کردند جوانانی چون قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود و شهید صفی الله افضلی وشهید ذبیح الله و ....

قبل از جهاد نیز در زمان رژیم های سلطنتی و داوود خانی، نهضت های اولی جهاد متشکل از جوانان بود ولی آهسته آهسته جهاد وسعت یافت و توده های مختلف مردم به جهاد گرویدند و دیگر منحصر به جوانان نبود.

امروز در دوران سازندگی و بازسازی ، نقش جوانان بسیار بارز و برجسته می باشد و امیدواریم که جوانان کشور با الهام از تعالیم دینی و با همت و عزم خلل نا پذیر در راه ترقی و آبادانی کشور دارای نقش ممتاز باشند. تا در کشور ما آفت ها و مصیبت های گذشته تکرار نشود.

انفجارهای پیاپی در عراق

چندین انفجار اکثر شهرهای عراق را در هفتهٔ گذشته لرزاند و باعث کشته وزخمی شدن بیش از صد نفر شد، اکثر این انفجار ها در مناطق شیعه نشین ویا مراکز آموزشی و جلب و جذب پلیس به وقوع پیوسته است. به اثر انفجار دو بمب در بازارچه یی دراطراف یک مسجد در بغداد ۱۶ نفر کشته و پنجاه تن دیگر زخمی شدند.

همچنان در اثر انفجار بمبی در مرکز بغداد چهار نفر کشته شدند و در انفجار یک بمب دیگر در مسیر عبور قافلهٔ سربازان امریکایی یک نفر کشته شد. به روز شنبه در شهر تکریت در شمال عراق نیز انفجار دو موتر بمب گذاری شده در نزدیکی یک مرکز آموزش پلیس کشته و ۳۷ زخمی برجای گذاشت .

ارتش آمریکا اعلام کرد دو سرباز آمریکایی بر اثر دو انفجار در فلوجه و غرب بغداد کشته شدند.

گفتنی است: قرار اظهار نخست وزیر پاکستان دپلومات آن کشور که دو هفته قل از بغداد ربوده شده بود آزاد گردیده است.

میراث گذشته ۷ ثور و ...

صدها و هزاران گروه مسلح و وابسته به ده ها تنظیم وگروه که اکثر آنان از رهبران خویش نیز اطاعت نمی کردند به پایتخت و مراکز ولایات سرازیر گردیده بودند و یک تنظیم عمده و مهم پر قدرت جهادی (حزب اسلامی حکمتیار) با وجود امضای توافق نامهٔ پیشاور به قصد جنگ ۲۵ ساله ویاهزار ساله وارد میدان شده و پایتخت را با راکت موردهجوم قرار داده بود ...

مرزهای کشور محفوظ نبود و بیگانگان برای نفوذ هرچه بیشتر در دولت و ازدیاد سهم گروه های مورد نظر در تکاپو بودند و با حمایت های مالی ونظامی قصد بی ثباتی اوضاع و تضعیف دولت نو پارا داشتند.

بقایای رژیم کمونیستی نیز برای گرفتن انتقام از مجاهدین، سبب اکثر نا امنی ها و بی نظمی ها می گردیدند، خاد سابق و افسران اردو در این زمینه پیشگام و فعال بودند و حتی تضاد و خصومت ریشه دار خلقی ها و پرچمی ها و برخوردهای قبلی و کودتا ها به صورت قرار گرفتن در صفوف دولت مجاهدین وحزب اسلامی ادامه یافت...

دولت ائتلافی مجاهدین متشکل بود از چندین تنظیم که هر کدام برای خود اردو و تشکیلات و امکانات نظامی داشتند و بنابراین تغییر و تبدیل ویا تنبیه ومجازات آنان نیز نا ممکن بود.

پس میراثی که به مجاهدین در ۸ ثور رسید، خانهٔ بی درو دیوار و وسایل شکسته و هر سو پراگنده و سفرهٔ خالی و بی رونق بود. کاستی ها، نارسایی ها قاعده نپذیری ها، بی نظمی ها و کمبود ها و خطا ها، دنیا پرستی ها، قدرت طلبی ها ، زراندوزی ها وتجمل پسندی ها و خیانت ها وجنایت های بعضی از اراکین و افراد جهادی به جای خود قابل انتقاد و نکوهش است و لی در آن اوضاع و احوال و با آن میراث به دست آمده، حوادث ووقایع دردناک بعدی از قبل قابل پیش بینی بود و توقعات مردم مجاهد و شهید پرور ما حکایت از اخلاص ، صفا، وفا و ساده دلی آنان داشت.

چون به گفتهٔ شاد روان خلیلی:

سیر تاریخ وطن استاد پند آموز ماست.

از گذشته ها عبرت بگیریم و در امروز کمرهمت ببندیم تا قدرت فردای خویش را رقم بزنیم:

قدرت فردای ما بر همت امروز ماست.

و دیده شود که بازیگران امروز قدرت چه چیزی را برای آیندگان به میراث می گذارند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۵ چهارشنبه ۷ ثور ۱۳۸۴ ۱۸ ربیع الأول ۱۴۲۶ - 27 April 2005

دومین نشست سران آسیا و افریقا

بیش از صد رئیس جمهور، نخست وزیر و مسؤولان قاره های آسیا و آفریقا به شمول حامد کرزی، برای مدت دو روز در اندونیزی دومین نشست سران این قاره ها را برگزار نمودند.

این نشست پنجاه سال بعد از نشست سران قاره های آفریقا و آسیا که در باندونگ برگزار گردید و پیمان عدم انسلاک عرض وجود کرد، صورت گرفته است.

هدف از این نشست، رفع اختلافات میان کشورهای آسیایی و افریقایی و بهبود و ارتقای داد و ستد تجاری و اقتصادی بوده است. در حاشیهٔ این نشست سران ژاپان و چین به منظور کاهش دادن بحران بین این دو کشور بایکدیگر ملاقات کردند.



اخیراً در پی چاپ کتاب های درسی در ژاپن و عدم تذکر جنایات آن کشور بر کشورهای همسایه به ویژه چین، یک سلسله مظاهرات خشونت آمیز در سراسر چین برگزار گردید که باعث تیرگی روابط میان دو کشور گردید .همچنان رؤسای جمهوری کوریای شمالی و جنوبی بعد از ۵ سال با یکدیگر گفتگو نمودند. به همین ترتیب وزرای خارجهٔ هند و نیپال بعد از قطع روابط، با هم ملاقات نمودند در نخستین نشست سران آسیا و افریقا ۲۹ کشور در اپریل ۱۹۵۵ در شهر کوهستانی باندونگ اندونیزیا اشتراک داشتند.

رئیس سارنوالی امنیت ملی:

وزیر ترانسپورت از جملهٔ متهمان اختلاس می باشد

وزیر ترانسپورت:

من از کسی ترس ندارم

عنایت الله قاسمی وزیر ترانسپورت و هوانوردی پس از برگشت از ایالات متحدهٔ امریکا در نخستین واکنش، اتهاماتی را که به خاطر عدم رسیدگی به مشکل حجاج و استخدام مشاوران خارجی از جانب محکمه علیه وی مطرح شده بود، رد کرد.

پس از آن که سه کارمند شرکت هواپیمایی آریانا به جرم سوء استفاده و اختلاس در مراسم حج به محکمه کشانده شدند، محکمه خواستار بازجویی از عنایت الله قاسمی وزیر ترانسپورت وهوانوردی نیز گردید.

قاسمی در یک کنفرانس مطبوعاتی به تاریخ ۴ ثور از کارکردهایش دفاع کرد و در مورد حاضر شدن به محکمه جوابی ارائه نکرد. وی گفت: معلومات دقیق در مورد ندارم، تمام اسناد ما در نزد دولت است و من از کسی ترس ندارم.

ژنرال عبدالفتاح رئیس سارنوالی امنیت ملی گفت که قاسمی وزیر ترانسپورت نیز از جملهٔ متهمان اختلاس در مراسم حج



می باشد. داوری سارنوال موظف گفت: انعقاد قرار داد میان وزارت ترانسپورت و تعدادی از شرکت های هواپیمایی خارجی، منجر به وارد آمدن حدود یک و نیم میلیون دلار خساره به منابع دولت شده است. به گفتهٔ یک منبع وزارت ترانسپورت، شرکت های هواپیمایی که قاسمی با آنها قرار داد انتقال حجاج را امضا نموده بود، وظایف شان را به صورت درست انجام نداده اند.

دوشرکت جدید مبایل جواز فعالیت دریافت می دارند

وزارت مخابرات طی سال روان در یک مزایدهٔ بین المللی برای دو شرکت جهانی مبایل GSM جواز فعالیت توزیع می نماید.

آقای امیرزی سنگین وزیر مخابرات روز شنبه ۳ ثور در یک کنفرانس مطبوعاتی با اعلام این خبر گفت: این وزارت دو جواز دیگر را برای دو شرکت مبایل GSM که فعالیت آن ها به تاریخ ۲۱ جدی ۱۳۸۴ آغاز می یابد، توزیع خواهد کرد. وی علاوه کرد که: شرکت های جهانی با پرداخت ۵۰۰۰۰۰ افغانی فیس ثبت و راجستر، می توانند در مراسم مزایده اشتراک نمایند. البته این پول غیر قابل برگشت می باشد. وزیر مخابرات در مورد فعالیت شرکت افغان بیسیم و روشن گفت: تعداد مشترکان تلفن های مبایل به ۸۰۰ هزار رسیده است. بیشتر از دوصد و پنجاه میلیون دلار در این عرصه سرمایه گذاری شده است.

وی گفت: با فعال شدن دو شرکت جدید مبایل بیشتر از ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری جدید جلب گردیده و زمینهٔ وظایف جدید مسلکی مساعد می گردد.

به گفتهٔ وی مشترکین مبایل فعلاً ۳ در صد جمعیت کشور را در بر می گیرد و در پنج سال آینده ۲۰ در صد جمعیت کشور را در برخواهد گرفت و عاید خالص به دولت ۲۰ میلیون دلار خواهد بود.

به وضع رقت بار آموزگاران چرا رسیدگی نمی شود؟!

عبدالله فرزاد

وضع زندگی همه مردم افغانستان - به استثنای شماری از اشخاص و افراد - تأثر آور و نکبت بار است، جنگ های خانمان سوز نزدیک به سه دهه در این کشور همه هست و بود مردم را به کام نیستی کشیده است و در این میان بیشترین صدمه ها و زیان های اقتصادی به دلایل متعدد، از جمله اشتغال به وظیفهٔ آموزش و پرورش نسل جوان و عدم دسترسی به تجارت و کارهای شخصی، متوجه معلمان این سرزمین بوده است.

و از همین رو است که از سالها بدین طرف معلمان نخبه و چیزفهم معارف کشور به علت ضعف اقتصاد و دست یابی به لقمهٔ عیش اجباراً از پیکرهٔ معارف جدا گردیده و به کارهای دیگری روی آورده اند و برخی از آنان که دارای امکانات بوده اند در مؤسسات غیر حکومتی و انجوها شامل کار شده اند، وهمین امر سبب گردیده است که امروز معارف کشور مخصوصاً در ولایات و ولسوالی های دور دست از وجود آموزگاران با تجربه و با دانش عاری گردد؛ چیزی که خلای جبران ناپذیر در عرصهٔ آموزش و پرورش تلقی می شود.

پس از سقوط رژیم طالبان و ایجاد تحولات جدید در کشور، آرزو برده می شد که در جو تازه به وجود آمده، آموزگاران مورد توجه و تفقد قرار می گیرند، به وضع معیشتی آنان رسیدگی می شود و باری دیگر معلمان کار آزموده و با دانش به کاروان معارف می پیوندند. اما با درد و تأسف که این آرزو تحقق نیافته باقی ماند، به زندگی و معاش آموزگاران هیچ گونه توجهی صورت نگرفت و از میلیاردها دلار پول کمک شده به مردم افغانستان، مبلغ تا چیزی هم به وزارت معارف اختصاص نیافت که به معاش معلمان افزوده گردد و یا به مکتب و مدرسه یی میز و ابزارهای لازم تهیه گردد.

بالآخره این وضعیت در این اواخر، به حدی رو به وخامت گذاشت که به روز چهارم ثور سال جاری رادیوی بی.بی.سی گزارش داد که "معلمان مکاتب در ولایت فراه افغانستان، در اعتراض به کم بودن معاشات شان دست از کار کشیده اند. نزدیک به دو هزار معلم در سراسر ولایت فراه در غرب افغانستان از صبح روز یکشنبه از رفتن به مکاتب خود داری کرده اند، در حال حاضر تمام مکاتب ولایت فراه به حالت تعطیل درآمده است. معلمان ناراضی گفته اند تا زمانی که مقامات در مرکز به مشکل آنها رسیدگی نکنند به اعتصاب خود ادامه خواهند داد". البته این گونه اعتصاب ها تنها به ولایت فراه محدود نخواهد ماند و اگر به گونه یی درست و دلسوزانه به وضع رقت بار معلمان و دانش آموزان مکاتب توجه نشود، بروز اعتصاب هایی از این دست در سایر ولایات و مناطق افغانستان دور از احتمال نخواهد بود.

این در حالی است که صدای بازسازی و نوسازی افغانستان گوش ها را کر نموده و حنجره ها را پاره کرده است؛ و اگر واقعاً حرفی از بازسازی و رفاه مردم افغانستان درمیان است، بایستی بازسازی معارف و توجه به وضع زندگی آموزگاران در سرخط برنامه های دولت و مؤسسات غیر دولتی قرار داشته باشد؛ چه بدون پیشرفت علم و دانش پیشرفت و ترقی هیچ کشور و ملتی ممکن نیست و ترقی علوم هم بدون توجه به آموزگاران میسر نخواهد بود.

پاپ جدید برگزیده شد



شورای کاردینال های کاتولیک که به دنبال در گذشت پاپ ژان پل دوم در واتیکان تشکیل شده بود روز سه شنبه ۱۹ اپریل ، پس از دو روز رأی گیری کاردینال یوزف راتسینگر را که مدت ۲۳ سال مقام ریاست ادارهٔ امور عقیدتی واتیکان را به عهده داشت به جانشینی پاپ ژان پل دوم برگزیدند.

ده ثور آغاز ثبت نام کاندیداها برای ...

و گفت که روند ثبت نام کاندیداهای انتخابات پارلمانی یکی از پروسه های مشکل و مهم این دفتر می باشد که در این برنامه باید دفتر مشترک تنظیم انتخابات با هزاران تن از کاندیداها سر و کار داشته باشد، . در اولین برخورد انفرادی ما با هریک از کاندیداها باید اطمینان حاصل شود که تمام جزئیات کاندیداها، در مرکز معلومات ما، هم روی اوراق به صورت درست نگاشته شود.

همچنان معاون دفتر مشترک تنظیم انتخابات اظهار نمود، کاندیدان ولسی جرگه مکلفند کارت سیصد تن و کاندیدان شورای ولایتی کارت دوصد تن از حمایت کنندگان خویش را جمع آوری و ارائه بدارند.

پس از ختم نامزدی کاندیداها، کمیسیون مستقل تنظیم انتخابات یک لیست ابتدایی کاندیداها را ترتیب خواهد نمود که از تاریخ ۱۴-۱۹ جوزا در دفاتر ولایتی این کمیسیون به نمایش گذاشته خواهد شد وهم چنان اگر کاندیداها مشکلی دارند باید آن را با این دفتر درمیان بگذارند.

اعتراضاتی که از طرف رأی دهندگان برکاندیداها وارد می گردد توسط کمیسیون بررسی شکایات در کابل به بررسی گرفته خواهد شد که بعد از غور و بررسی این شکایات، لیست دومی تهیه می گردد. این لیست از تاریخ ۱۱-۱۶ سرطان در دفتر ولایتی به نمایش گذاشته می شود. اما کاندیداهایی که از لیست ابتدایی کشیده شده اند می توانند اعتراضات شان را به این کمیسیون تقدیم نمایند و لیست نهایی کاندیداها به تاریخ ۲۱ سرطان از طرف• کمیسیون مشترک تنظیم انتخابات به نمایش گذاشته خواهد شد.

به گفتهٔ مسؤولین دفتر مشترک تنظیم انتخابات، در ورق رأی دهی، نام، فوتو و نشان انتخاباتی کاندیدا موجود خواهد بود و در جاهایی که نفوس بیشتر است این ورق بزرگتر وعکس های موجود در آن نیز کوچکتر خواهد بود.

گفته می شود که سمبولها برای ولسی جرگه در داخل چهار ضلعی و برای شورای ولایتی در داخل یک دایره خواهد بود.

آدرس مجاهد در اینترنت:

Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid@mujahid1357.com